

دوم نقص بر کلاله ابوبنی یا ابی تنها یا بر اجداد ابی وارد می شود. در طبقه سوم نقص بر معتقر بین پدر (اعمام - عمات) وارد می شود.



## خداشه بر اصل قانونی بودن مجازات

محمد موسوی مقدم، قاضی دادگستری کرج

در صفحات ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۳، نمونه‌هایی چند از آرای صادره از سوی ریاست محترم شعبه ۲۱۰۲ دادگاههای عمومی تهران، درج شده بود که به موجب آنها، طفل مجرم حسب مورد به آموختن یک حرفه‌ی شرافتمندانه، ارائه‌ی خدمات ورزشی، حبس در منزل، ارائه خدمات رایانه‌ای، انجام باغبانی و... محکوم شده بود.

پس از مطالعه این آراء، اینجانب در ابتدا، قاضی محترم صادرکننده‌ی آرای مذکور را به سبب جسارت در نوآوری وضع مجازاتهایی که تاکنون در قوانین مدون ما جایی نداشته‌اند، ستودم. چه من هم به نوبه خود همواره کمبود مجازاتهای متنوع و موثر در اصلاح، سزادهی و ترساندن مجرم و جامعه، را در نظام حقوقی ایران اسلامی، که بتوان با توجه به ویژگیهای اخلاقی، اجتماعی و... مجرم، آنها را تعیین نمود، احساس می‌کردم. اما مطالعه‌ی این آراء، هم چنین قرائت خبری دائر بر صدور حکم بر محکومیت فرد مجرم به نظافت سرویسه‌های بهداشتی کانون اصلاح و تربیت [روزنامه صدای عدالت]، این پرسش را پدید می‌آورد که مستند قانونی این مجازاتها چیست؟ و در کدام قانون و برای چه جرایمی وضع شده‌اند؟

با مطالعه‌ی مواد قانونی مربوط به اطفال بزهکار در قانون مجازات اسلامی، قانون دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب و قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار، مصوب سال ۱۳۳۸، در جست‌وجوی مستند قانونی مجازاتهای فوق، نتایج ذیل‌الذکر حاصل می‌شود:

۱- اصل قانونی بودن مجازاتها<sup>(۱)</sup>، از اصول بنیادین حقوق جزا است که در طول تاریخ برای ایجاد، پایداری و حفظ حریم آن، تلاشهای زیادی از سوی اندیشمندان صورت پذیرفته است<sup>(۲)</sup> اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با لحاظ اهمیت و اثرات این اصل در حفظ حقوق شهروندان و کاستن از خودکامگی احتمالی قضات مقرر می‌دارد: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد»<sup>(۳)</sup> به پیروی از این اصل در ماده‌ی ۲ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود».

بنابراین؛ فعل یا ترک فعلی را می‌توان جرم دانست که در قانون جرم شناخته شده است و مجازاتی را می‌توان بر مجرم اعمال نمود که قانونگذار آن را وضع کرده باشد و قاضی بدون وجود نص قانونی نمی‌تواند حکم به اعمال مجازاتی نسبت به مجرم صادر نماید.

۲- ماده‌ی ۴۹ قانون مجازات اسلامی در باب حدود مسؤلیت جزایی، به میزان مسؤلیت و نحوه‌ی مجازات طفل مجرم پرداخته است. در این ماده آمده است: «اطفال در صورت ارتکاب جرم میبری از مسؤلیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده‌ی سرپرست اطفال و عندالافتضا قانون اصلاح و تربیت اطفال است.» در تبصره‌ی ۲ ماده‌ی مرقوم به انجام تنبیه بدنی طفل مجرم در صورت ضرورت اشاره شده است.

#### 1- Nullum crimen, nulla poena sin lege.

۲- سزار بکاریا و منتسکیو از جمله اندیشمندانی بودند که نخستین بار در قرن هجدهم بر لزوم قانونی بودن جرایم و مجازاتها تاکید کردند. (دکتر محمدعلی اردبیلی. حقوق جزای عمومی، جلد نخست، ص ۱۲۷). این اصل برای اولین بار از طرف قانونگذار انقلابی در اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ در مواد پنجم و هشتم اعلام شد. (حقوق جزای عمومی. ترجمه‌ی دکتر حسن دادبان، جلد اول، ص ۱۵۰)

۳- سابقه‌ی این اصل در نظام حقوقی ایران به ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ه‍.ق و تصویب متمم قانون اساسی برمی‌گردد. در دین مبین اسلام از آیه‌ی ۱۵ از سوره‌ی اسرا (ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا) و قاعده‌ی قبح عقاب بلا بیان، این اصل استنباط می‌گردد.

بنابراین، هرگاه شخص صغیری - زیر ۱۵ سال برای پسر و زیر ۹ سال برای دختر - جرمی مرتکب شود، فاقد مسؤولیت کیفری خواهد بود. اما دادگاه در صورت ضرورت و صلاحدید، تنها می‌تواند اقدام به تربیت و یا تنبیه بدنی وی نماید و غیر از این دو مورد، دادگاه حق تعیین هیچ نوع مجازاتی را ندارد. بدیهی است مراد از تربیت، انجام عمل تربیتی خاص است و نمی‌توان هر فعل یا ترک فعلی را تربیت کردن مجرم دانست.

۳- ماده‌ی ۱۹ قانون مجازات اسلامی در تعیین مجازات تميمی، به محاکم اجازه داده است که مجرمین را تنها برای مدتی از حقوق اجتماعی محروم نمود یا از اقامت در محلّی منع و یا به اقامت اجباری در یک مکان مجبور نماید و نمی‌تواند با استناد به این ماده مجرم را غیر از این دو مورد مذکور، به انجام یا ترک فعلی خاص ملزم نماید.

۴- مواد فصل پنجم قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری درباب رسیدگی به جرایم ارتكابی از سوی اطفال نیز، تنها به مقررات شکلی رسیدگی به جرایم ارتكابی از سوی اطفال پرداخته است و در خصوص نوع و میزان مجازات مقرره‌ای ندارد.

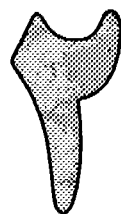
۵- برابر قانون تشکیل دادگاههای اطفال بزهدار مصوب سال ۱۳۳۸ صرف نظر از نسخ شدن و عدم قابلیت اجرای آن، دو دسته از تصمیمات را می‌توان در مورد اطفال مجرم، برحسب سن آنان، اتخاذ نمود که در مواد ۱۷ و ۱۸ آمده است. تصمیمات متخذة در خصوص اطفال مجرم بین ۶ تا ۱۲ سال عبارتند از: ۱- تسلیم به اولیا یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تادیب ۲- اعزام به کانون اصلاح و تربیت به منظور تادیب برای مدت یک تا شش ماه و در خصوص اطفال ۱۲ تا ۱۸ سال می‌توان تصمیمات زیر را اتخاذ نمود: ۱) تسلیم به اولیا یا سرپرست با اخذ تعهد به تادیب ۲) سرزنش و نصیحت وسیله‌ی قاضی دادگاه ۳) اعزام به کانون اصلاح و تربیت از ۳ ماه تا یک سال ۴) اعزام به زندان کانون اصلاح و تربیت.

ملاحظه می‌گردد هیچ‌یک از اعمالی که در آرای صادره از سوی شعبه اطفال

دادگاههای عمومی تهران، مورد حکم واقع شده‌اند در موارد مذکور در مواد ۱۷ و ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای اطفال بزحکار نمی‌گنجند.

نتیجه‌گیری:

به موجب اصل قانونی بودن مجازاتها، مجازاتی را می‌توان بر شخص مجرم تحمیل نمود که مقنن آن را تعیین کرده باشد. قاضی نمی‌تواند رأساً و بدون مستند قانونی برای شخص مجرم مجازات تعیین نماید. لذا تعیین مجازاتهایی هم‌چون الزام به انجام باغبانی، آموزش رایانه، آموزش ورزش و... علی‌رغم اثرات مثبتی که می‌تواند به دنبال داشته باشد، به علت فقدان نص قانونی، عنصر قانونی، فاقد وجاهت قانونی است. بدیهی است بی‌اعتنایی به اصل قانونی بودن مجازاتها به خودکامگی قضات و تضییع حقوق افراد به ویژه نابرابری افراد در برابر قانون منتهی می‌شود.



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آقای حیدرعلی یدائی، وکیل محترم دادگستری

در مطلب کوتاهی مشکلات رسیدگی به مقوله داوری را این‌گونه

مورد توجه قرار داده‌اند:

در کنار مباحثی که در رابطه با مشروعیت «داوری» در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران مطرح بود نهاد «داوری» در قانون آیین دادرسی مدنی سابق فقط و نهایتاً در قانون جدید آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید و بدین‌وسیله به نظر